

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۶/۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۵

doi 10.22034/nf.2023.180995

شش دهه دستورنویسی آموزشی برای مدارس ایران

(از سال ۱۲۹۸ تا ۱۳۵۷ ش)

محدثه طاهری* (دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه

تهران، تهران، ایران)

سیده پرنیان دریاباری (استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد

تهران غرب، ایران)

علی اصغر باباسالار (استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

چکیده: میرزا حبیب اصفهانی با انتشار دستور سخن، اولین کتاب مستقل آموزش دستور زبان فارسی را در ۱۲۸۹ق تألیف کرد. پس از او نویسندگان دیگری به تأثیر از قواعد عربی یا دستور زبان‌های فرنگی، نگارش کتاب‌های آموزش دستور زبان فارسی را ادامه دادند. از این رهگذر، کتاب‌های دستور زبان آموزشی نگارش یافتند. در این پژوهش بیست کتاب درسی دستور زبان فارسی (از سال ۱۲۹۸ تا ۱۳۵۷ش)، که در مدارس ایران تدریس می‌شدند، مطالعه شد. ابتدا بازه زمانی ۱۲۹۸ تا ۱۳۵۷ش به سه دوره تقسیم و ویژگی‌های هر دوره بیان و سپس موارد اختلافی مباحث دستوری هر کتاب و چند مثال از آنها با کتاب دستور مفصل امروز^۱ بررسی و مقایسه شد. همچنین تأثیرپذیری هر کتاب از دستور زبان‌های دیگر، مانند عربی و فرنگی، مورد توجه قرار گرفت. براساس پژوهش حاضر به این نتیجه رسیدیم که اغلب کتاب‌های دستوری مورد بررسی به تأثیر از دستور عربی، اقسام کلمه را به سه بخش اسم، فعل و حرف تقسیم کرده و نکات هر مبحث را شرح و تفصیل داده‌اند. گرچه هر نویسنده، در عین تأثیرپذیری از نویسندگان پیشین یا معاصر، نظرات خود را هم آورده، اما کمتر کتابی دارای روش متمایز و خاص بوده و بیشتر کتاب‌ها رویکردی مشابه یکدیگر داشتند. البته، برخی کتاب‌ها در دوره

* m.taheri2594@gmail.com

۱. خسرو فرشیدورد، دستور مفصل امروز، سخن، تهران ۱۳۸۲.

خود تأثیر بیشتری گذاشتند و رویکرد خود را با دیدگاه غالب هم‌عصران خود متناسب و همراه کردند. دستور زبان‌هایی که عبدالعظیم قریب، پنج استاد، پرویز ناتل خانلری، انوری و احمدی گیوی و صادقی و ارژنگ نوشتند، از جمله کتاب‌های پیش‌تاز این بازه زمانی بود.

کلیدواژه‌ها: دستور زبان فارسی، دستورهای آموزشی، دستور سنتی، نقد دستور، پیشگامان دستورنویسی.

۱. مقدمه

از قرن سیزدهم به بعد در ایران به تدریج دستور زبان فارسی از انزوا بیرون آمد و به تقلید از صرف و نحو عربی و دستور فرنگی، کتاب‌هایی مختص دستور زبان فارسی به زیور طبع آراسته شد. نخستین آنها اثر ارجمند میرزا حبیب اصفهانی، دستور سخن، است که خلاصه آن با عنوان دبستان سخن مشهور است. به مرور، دستورنویسی با هدف‌های مختلف به نگارش درآمد و آموزش قواعد زبان فارسی، شیوه‌ها و رویکردهای متفاوتی به خود دید. میرزا عبدالعظیم خان قریب دستور زبان فارسی را در واپسین سال‌های قرن دوازدهم با الگوی پذیری از دستور زبان فرانسه نوشت و پس از آن دستور زبان فارسی پنج استاد^۲ به نگارش درآمد که سال‌های متمادی در مدارس به عنوان منبع درسی معرفی گردید. دستور زبان فارسی عبدالرسول خیام‌پور هم کتابی با مطالب تازه و به دور از تقلید صرف از دستور دیگر زبان‌ها بود که در زمان خود و حتی تا زمان ما قابل اعتنا است. در ادامه روند دستورنویسی، پرویز ناتل خانلری و همکارانش کتابی برای دانش‌آموزان دبیرستانی تألیف کردند که شیوه آموزش دستور را کمی از حالت سنتی دور کرده و با الگوگیری از زبان‌شناسی و دستورهای فرنگی روشی نوین را در آموزش دستور ارائه دادند.

روش انجام این تحقیق، توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری داده‌ها براساس مطالعات کتابخانه‌ای است. موارد اختلافی هر کتاب به همراه چند مثال با کتاب دستور مفصل امروز، که نمونه‌ای برجسته در دستورنویسی توصیفی فارسی است، مقایسه شد. هدف پژوهش نقد و بررسی سیر دستورنویسی آموزشی در ایران است و بیست کتاب درسی دستور زبان فارسی، چاپ سال‌های ۱۲۹۸ تا ۱۳۵۷ش، مطالعه شد. پژوهش حاضر در پی آن است که به این پرسش‌ها پاسخ دهد:

- ۱) ساختار و محتوای کتاب‌های درسی دستور در دوره مورد بررسی چگونه است؟
- ۲) کتاب‌های درسی دستور این دوره مطابق با مبانی دستور سنتی است یا زبان‌شناسی نوین؟
- ۳) نویسندگان کتاب‌های دستوری این دوره در جهت تسهیل یادگیری چه رویکرد و اهمیتی داشته‌اند؟
- ۴) مؤلفان نسبت به دستور زبان فارسی و ضرورت آموزش آن تا چه اندازه نگاه واحدی داشته‌اند؟

۲. عبدالعظیم قریب، جلال‌الدین همایی، ملک‌الشعراء بهار، غلامرضا رشید یاسمی، بدیع‌الزمان فروزانفر.

یادآوری این نکته نیز ضروری است، به دلیل اینکه تمام کتاب‌های درسی دستور زبان فارسی این دوره قابل دسترس نبوده و آمار دقیقی موجود نیست، مجموعه‌ای از آنها گردآوری و بررسی شد. با توجه به اینکه شباهت دیدگاه‌های دستوری و تکرار مباحث در بسیاری از کتاب‌های این دوره مشهود است، معیار انتخاب، اهمیت و نوآوری در ارائه مباحث و تأثیرگذاری آنها بر یکدیگر و دوره‌های پس از خود است.

۲. نقد و بررسی کتاب‌ها

۲-۱. دوره اول (از سال ۱۲۹۸ تا ۱۳۲۰ ش)

نویسندگان کتاب‌های آموزشی دستور زبان فارسی در این دو دهه، با توجه به شرایط زمانی و فعالیت اولیه مدارس نوین، درصدد تهیه مجموعه‌ای بودند که دانش‌آموزان نسبت به دستور زبان فارسی آشنایی اجمالی پیدا کنند. اغلب مباحث دستوری کتاب‌ها به اختصار ارائه شده است و دانش‌آموز با جنبه نظری اصطلاحات آشنا می‌شود. گرچه تمرین و پرسش‌های کاربردی و خلاصانه در برخی کتاب‌ها مانند دستور زبان فارسی عبدالعظیم قریب (۱۳۱۶ ش) برای تفهیم بهتر مطالب ارائه شده، اما تمرکز اصلی کتاب‌های این دوره بر جنبه نظری و اصطلاحات اساسی علم دستور است. الگوپذیری از قواعد زبان عربی نیز در کتاب‌های دستور این دوره کاملاً مشهود است.

در این دوره، چهار کتاب مورد بررسی قرار گرفت. دو کتاب نوشته حبیب‌الله آموزگار است که در سال‌های ۱۲۹۸ ش و ۱۲۹۹ ش چاپ شده است. کتاب سوم دستور نوین میرزا محمد امین خان ادیب طوسی (۱۳۱۲ ش) و کتاب چهارم دستور زبان فارسی میرزا عبدالعظیم خان قریب (۱۳۱۶ ش) است که به تحلیل آنها پرداخته‌ایم.

ترتیب مباحث دو کتاب دستوری، نوشته حبیب‌الله آموزگار، در بخش صفات، قیود، ظروف، کنایات، ضمایر، مبهمات، ادوات شرط و استفهام، اعداد، اصوات و حروف یکسان است، با این تفاوت که در کتاب دستور آموزگار ششم ابتدایی (۱۲۹۸ ش) برخی درس‌ها با کمی تفصیل توضیح داده شده است. همچنین در بخشی با عنوان «خاتمه» در کتاب ششم ابتدایی مباحثی همانند واو معدوله، واو عطف، نحوه نوشتن همزه و تنوین، ابدال و نکاتی راجع به افعال و اسما و صفات دیده می‌شود. هر صفحه تمرین دارد؛ در برخی تمرین‌ها از اشعار سعدی و ابوحنیفه اسکافی آیاتی دیده می‌شود. باینکه این کتاب ادامه و جلد دوم کتاب قبلی محسوب می‌شود، اما همان مباحث را با کمی تغییر یا اضافات تکرار کرده است.

حبیب‌الله آموزگار در بخش «اسما»ی کتاب ششم ابتدایی (۱۲۹۸ ش) اسم‌های «جامد و مشتق» را معرفی می‌کند و اسم مشتق را اسمی می‌داند که از «کلمه دیگر ساخته شده باشد، مانند گفت و شنود که از گفتن و شنیدن ساخته شده باشد» (آموزگار (۱)، ص ۲۳). از این تعریف آگاه می‌شویم که نویسنده دستور زبان عربی را ملاک خود قرار داده و هر عبارتی را که از ریشه یک فعل گرفته شده، اسم مشتق می‌داند، درحالی‌که

اکنون اسم مشتق را اسمی می‌دانند که با «ضمیمه‌های اشتقاقی، یعنی با پسوندها و پیشوندهای اشتقاقی» (فرشیدورد، ص ۱۹۳) به وجود می‌آید و صرف ساخته شدن از کلمه‌ای دیگر کافی نیست و وجود پیشوندها یا پسوندها، اسم مشتق را می‌سازد.

در برخی موارد نیز تعریف نویسندگان از اصطلاحات دستوری با نظر دستورنویسان معاصر ما متفاوت است. برای مثال، آموزگار در کتاب دستور آموزگار سال چهارم و پنجم ابتدایی (۱۲۹۹ش) در بخش اقسام «قید» آن را به شش قسم تقسیم می‌کند که یکی از آنها قید وصفی است «پنهان، آشکارا، آهسته، آرام، عامداً، صریحاً» که این نمونه‌ها در دستور مفصل امروز به‌عنوان قید حالت آمده است (نک. فرشیدورد، ص ۴۶۰). تعریف آموزگار و نام‌گذاری آن به «قید وصفی» جامع‌و مانع نیست و تعریفی کلی از این مفهوم است و انواع دیگری از قید، مانند قید جهت، مقدار و وسیله را هم در خود شامل می‌شود.

میرزا محمد امین خان (ادیب طوسی) در کتاب دستور نوین (۱۳۱۲ش) به اهمیت وضع اصطلاحات دستوری اشاره و تأکید می‌کند که در نوشتن این کتاب به زبان محاوره و حتی لهجه‌های محلی هم توجه شده است. این کتاب برای همه اصطلاحات دستوری عربی یک اصطلاح فارسی هم آورده است، مانند «ضمیر شخصی» که در کنار این عنوان «بر نام خودی» آمده و نویسنده تلاش کرده که اصطلاح فارسی برای آن بگذارد، گرچه خودش هم در متن کتاب از همان اصطلاحات متداول عربی استفاده می‌کند. دستور نوین اسم‌های «بسیط و مرکب» را پس از دسته‌بندی اسم «مشتق و جامد» می‌آورد. تعریفی که از اسم بسیط ارائه شده، مانند تعریف فرشیدورد، به بی‌جزء بودن کلمه اشاره دارد و در تعریف اسم مرکب آمده که این اسم باید «از دو جزء یا بیشتر ترکیب شود» (ادیب طوسی، ص ۱۷).

آخرین کتابی که در این دوره بررسی شد، دستور زبان فارسی میرزا عبدالعظیم خان قریب (۱۳۱۶ش) است که از کتاب‌های مهم و مؤثر بر نویسندگان پس از خود است. قریب با الگوگیری از دستورهای فرنگی، به‌خصوص دستور فرانسیسی، مسیر جدیدی در آموزش دستور زبان فارسی گشود. او در بخشی از کتاب خود می‌نویسد: «مسند گاهی دارای متمم است» و مثال می‌آورد «شاه عباس پادشاه بزرگی بود» (قریب، ص ۲۰). وی در این بخش صفت «بزرگ» را کامل‌کننده و متممی برای مسند (پادشاه) می‌داند، اما اختصاص اصطلاح «متمم» به صفت در دیگر کتاب‌ها به چشم نمی‌خورد و حتی در کتاب‌های دستورنویسان پس از عبدالعظیم خان هم (مانند عبدالرسول خیام‌پور) اصطلاح متمم را به «مسند» یا «مکمل» اطلاق می‌کردند، از این جهت که چیزی بر فعل نمی‌افزاید، «بلکه کسر آن را جبران می‌کند» (خیام‌پور، ص ۷۵).

در مجموع، بیشتر مباحث کتاب‌های این دوره بدون طول و تفصیل ارائه شده و دانش‌آموز با جنبه نظری اصطلاحات دستوری آشنا می‌شود. غالب اصطلاحات دستوری برگرفته از قواعد زبان عربی است

و آموزش از مباحث پایه‌ای، مانند حروف الفبا، هجا و تعریف دستور زبان، آغاز می‌شود و به مباحث اسم و اقسام آن، فعل و وجوه آن، صفت و قید می‌رسد. در این دوره تصویر و نمودار در کتاب‌ها وجود ندارد و کتاب‌ها از نظر طراحی و چاپ، وضعیت نامناسبی دارند. «قرائت فارسی و املا» هم در کتاب‌های دستوری این دوره مورد توجه است. کتاب مهم این دوره دستور زبان فارسی، نوشته عبدالعظیم قریب (۱۳۱۶ش)، است که از دستور زبان‌های فرنگی، به‌خصوص دستور فرانسوی، تأثیر پذیرفته و بارها چاپ شده است و مطالب کتاب‌های پس از او هم تا حد زیادی با این کتاب هم‌پوشانی دارند.

۲-۲. دوره دوم (از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ش)

دوره دوم کتاب‌های آموزشی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ش را در بر می‌گیرد. کتاب‌هایی که در این بازه زمانی مطالعه شد، بدین شرح است: دستور زبان فارسی (پنج استاد، بی‌تا)، دستور زبان فارسی (محمد دیهیم، ۱۳۳۰ش)، فارسی و دستور زبان (رضازاده شفق و همکاران، ۱۳۳۵ش)، قرائت فارسی و دستور زبان (فروزانفر و همکاران (۱))، فارسی و دستور (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۳۵ش)، فارسی و دستور زبان پسران (۱۳۳۷ش)، دستور زبان فارسی (پنج استاد، ۱۳۳۸ش).

در این دوره نیز نویسندگان آموزش را از مباحث پایه‌ای دستور آغاز کرده‌اند و رویکرد اغلب کتاب‌ها و اصطلاحات دستوری که به کار برده‌اند، مطابق قواعد عربی است. برای نمونه، دستور پنج استاد (۱۳۳۸ش)، که کتاب شاخص این بازه است، در صفحه ۱۱۸ فعل «کوشیدن» را مطابق تصریف زبان عربی صرف کرده و از این مصدر «کوشیده‌ام» را هم به‌عنوان اسم فاعل و هم اسم مفعول ساخته است. این کتاب اسم مرکب یا آمیخته را کلمه‌ای می‌داند که «از دو کلمه یا بیشتر ترکیب شده باشد» (فروزانفر و همکاران (۲)، ص ۳۱) و مثال‌هایی مانند «کارخانه»، «کاروان‌سرا» و «باغبان» را به‌عنوان اسم مرکب می‌آورد. درواقع، نویسندگان کلمات مشتق را براساس داشتن حداقل دو کلمه در ردیف «کلمات مرکب» و هر دو را در یک دسته قرار می‌دهند. این در حالی است که اسم مرکب باید از «کلمه‌ها یا نیمه‌کلمه‌ها یا از ترکیب آن دو ساخته شده باشد» (فرشیدورد، ص ۱۷۰)، آن‌هم به‌گونه‌ای که اجزای ترکیب، خاصیت صرفی، نحوی، آوایی یا معنایی خود را از دست داده باشند. اما پنج استاد صرفاً داشتن «دو کلمه» را شرط تشکیل اسم مرکب می‌دانند. نویسندگان در بحث «اسم جامد و مشتق»، جامد را کلمه‌ای می‌دانند که «از کلمه دیگر بیرون نیامده باشد: دشت، سرد...» (فروزانفر و همکاران (۲)، ص ۳۳). مشتق را نیز واژه‌ای می‌دانند که «از کلمه دیگر بیرون آمده باشد: ناله، مویه...» (همان‌جا). این تعاریف نشان می‌دهد که نویسندگان قواعد زبان عربی را به دستور زبان فارسی تسری داده‌اند.

دیگر کتاب مهم این دوره، دستور زبان فارسی (۱۳۳۰ش)، نوشته محمد دیهیم است. دیهیم در قسمت «وجوه افعال» وجه اخباری، شرطی، امری، انشایی، التزامی، وصفی، مصدری و وجه معین را

بیان می‌کند. فرشیدورد «وجه تأکیدی» را هم در میان وجوه فعل ذکر می‌کند و به‌خلاف دیهیم که «وجه شرطی و انشایی» را وجهی مستقل می‌داند، این دو وجه را زیرمجموعه «وجه التزامی» می‌داند. به این دلیل که «صورت یا جنبه‌ای از فعل است که بر امری احتمالی و غیرقطعی، مثل آرزو، میل... امید، شرط، شک... دلالت کند» (فرشیدورد، ص ۳۸۳). درواقع، آنچه از نظر دستورنویسان امروزی برداشت می‌شود این است که تمام افعالی که بر شرط و احتمال و آرزو... دلالت می‌کنند، زیرمجموعه «وجه التزامی» هستند. بنابراین، بهتر است وجه شرطی و انشایی نیز جزء وجه التزامی قرار گیرد. همچنین، دیهیم «وجه معین» را هم به‌عنوان یک وجه مستقل می‌آورد و در توضیح آن می‌نویسد: «فعل معین فعلی را گویند که افعال دیگر به کمک و معاونت آن صرف می‌شوند» (دیهیم، ص ۶۷)، در صورتی که نام‌گذاری فعل معین به‌عنوان یک وجه مستقل بعید به نظر می‌آید، زیرا با تعریف «وجه»، که صورت یا جنبه‌ای از فعل است که «بر اخبار و احتمال و آرزو... دلالت می‌کند» (فرشیدورد، ص ۳۸۰)، همخوانی ندارد.

دستور زبان فارسی چهارم و پنجم دبیرستان (۱۳۳۸ش) ادامه دستور پنج استاد سال اول و دوم دبیرستان (بی‌تا) است. مؤلفان ادامه درس‌های دستوری را با بخش «مبهمات» آغاز می‌کنند. بحث «عدد» در فصل چهارم کتاب مطرح و عدد به چهار بخش تقسیم می‌شود: اصلی، ترتیبی یا وصفی، کسری، توزیعی. در توضیح اعداد کسری می‌خوانیم: «عدد کسری آن است که پاره‌ای از شمار درست را برساند، مانند چهار یک، پنج یک...» (فروزانفر و همکاران (۳)، ص ۲۵) که در نظر گرفتن دسته‌ای جداگانه برای آن ضروری نیست و دستور مفصل این چنین توضیح می‌دهد: «از آنجایی که عدد کسری بر پاره‌ای از عدد اصلی دلالت می‌کند، بنابراین، از اقسام عدد اصلی است و قائل شدن طبقه خاصی برای آن لازم نیست» (فرشیدورد، ص ۳۲۰).

در این دوره، برای ذکر مثال‌ها یا تمرین‌ها از قطعات نظم و نثر کهن فارسی استفاده می‌شود. البته، کتاب‌های دستور زبان این دوره تا حدودی از ارائه تعریف اصطلاحات دستوری فراتر رفته و تمرین‌ها و پرسش‌های طرح‌شده کاربردی‌تر شده‌اند. یادآوری این نکته ضروری است که در همه دوره‌های مورد بررسی، غیر از کتاب‌هایی که مختص آموزش دستور بوده‌اند، کتاب‌هایی نیز تحت عنوان «فارسی و دستور» برای آموزش هم‌زمان متون و دستور زبان منتشر می‌شدند که در بخش فارسی آن بیشتر به آموزش متون کهن ادبی پرداخته و بخش‌های دستوری کتاب بسیار خلاصه و کوتاه ارائه می‌شد. نخستین جلد دستور پنج استاد (۱۳۲۸ش) در این دوره منتشر شد که خود تحول مهمی در این عصر به شمار می‌آمد، زیرا اولین بار کتابی جامع و مدون برای دانش‌آموزان تدوین می‌شد که از اغلب مباحث دستوری، دیدی کلی ارائه داده و از نظم و ترتیب مشخصی برای آموزش بهره می‌گرفت.

۲-۳. دوره سوم (از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ش)

مانند دیگر کتاب‌ها، در این دوره آموزش دستور زبان نیز با مباحث اساسی شروع می‌شود و مثال‌ها و شواهد زیادی برای تفهیم بهتر مطالب عرضه می‌کند. کتاب‌های مورد بررسی این دوره بدین شرح است: فارسی و دستور زبان (روحانی و همکاران، ۱۳۴۱ش)، دستور حسن (هروی، ۱۳۴۲ش)، دستور زبان فارسی «روش نو» (ناتل خانلری و همکاران (۱)، ۱۳۴۳ش)، دستور زبان فارسی (ناتل خانلری و زهرا خانلری، بی‌تا)، دستور زبان فارسی فرهنگ (سلطان‌محمدی و مفیدی، بی‌تا)، دستور زبان فارسی (ناتل خانلری و همکاران (۲)، ۱۳۴۶ش)، دستور زبان فارسی (احمدی گیوی و انوری، ۱۳۵۱ش)، دستور زبان فارسی (احمدی گیوی و انوری، ۱۳۵۲ش)، دستور (صادقی و ارژنگ، ۱۳۵۷ش).

از کتاب‌های مهم این دوره، دستور حسن، نوشته محمدحسن هروی (۱۳۴۲ش)، است که غیر از آموزش دستور، به آموزش بدیع، قافیه و تقویت نگارش دانش‌آموز نیز توجه می‌کند و البته، بسیاری از اصطلاحات قواعد عربی را هم در خود جای می‌دهد. برای نمونه، صفت‌های بیانی، مانند «گویا» و «پویا» را «صفت مشبیه» می‌نامد.

با انتشار دستور زبان خانلری در سال ۱۳۴۳ش، روشی نو در آموزش دستور پدید می‌آید و دانش‌آموزان به کتابی، با طرح درس مشخص و دارای ویژگی‌های مناسب طراحی کتاب (مانند استفاده از جدول و نمودار، به‌ویژه برای آموزش فعل و زمان فعل)، دسترسی پیدا می‌کنند. برای مثال، خلاصه‌ای از دروس در کادری مشخص می‌آید. همچنین، علاوه بر استفاده از متون کهن فارسی، از زبان زنده رایج در بین مردم نیز به‌عنوان شاهد مثال استفاده می‌شود. خانلری با انتشار این کتاب دستورنویسی را تا اندازه‌ای از حالت سنتی دور می‌کند و با الگوگیری از زبان‌شناسی و دستورهای فرنگی، روشی نو در آموزش دستور ایجاد می‌کند. این کتاب اولین کتاب از یک مجموعه است که می‌بایست در طی سه سال در دبیرستان تدریس می‌شد. در «مقدمه» توضیح داده شده که توالی تدریس دروس باید حفظ شود تا آشننگی در تدریس ایجاد نشود. این مسئله نشان می‌دهد که مؤلفان، برنامه‌ریزی و چارچوب معینی برای تدوین کتاب داشته‌اند. دکتر خانلری در «مقدمه» تفاوت ویژه کتاب را این می‌داند که در کتاب‌های قبلی ابتدا یک سلسله تعریف از مفردات (مانند اسم، فعل، صفت و...) آموزش داده می‌شد که دانش‌آموز به‌درستی نمی‌دانست غرض چیست و این مطلب چگونه او را در بهتر نوشتن و خواندن یاری می‌کند و در آخر به تحلیل اجزای جمله می‌پرداختند، درحالی‌که این کتاب ابتدا قواعد زبان را از «جمله»، که واحد گفتار است، آغاز می‌کند تا فهم آن برای مبتدی آسان‌تر باشد. برخلاف دستورنویسان پیشین، که آموزش را از انواع «کلمه» آغاز می‌کردند، خانلری «جمله» و ساخت آن را مبنای قرار داده و آن را به اجزای کوچک‌تری تقسیم می‌کند و درنهایت، به ساختمان کلمه می‌رسد. او معتقد بود ما در خواندن و نوشتن با جمله سروکار داریم و کلمات جز در ترکیب، مفید معنی نیستند. بنابراین، برخلاف

کتاب‌های پیشین، که تمرکز بر آموزش مفردات داشته، کتاب وی آموزش دستور زبان را از «جمله» آغاز می‌کند. افزون‌براین، خانلری اصطلاحات دستوری را به فارسی برمی‌گرداند. برای نمونه، «شناسه» را به جای «ضمیر متصل فاعلی» و «مصدر بریده» را به جای مصدر مرخم برگزید و برای «ساده‌نویسی» و «قاعده‌سازی» دستور زبان فارسی تلاش کرد. همچنین، او با الگوگیری از دستور زبان‌های فرنگی، روشی نو در آموزش دستور زبان ابداع می‌کند و در آغاز هر مبحث، نکات دستوری را در بافتی مشخص و در قالب جملاتی کوتاه ارائه می‌دهد تا ذهن دانش‌آموز با کارکرد و نحوه استفاده از نکته دستوری آشنا شود.

دیگر کتاب آموزشی این دوره دستور زبان فارسی، نوشته احمدی گیوی و انوری (۱۳۵۱ش)، است. اگرچه این کتاب در نوع خود ارزشمند است، ولی خالی از اشکال نیست و نمونه‌هایی از ناهمخوانی تعریف و شواهد در آن دیده می‌شود. برای مثال، نمونه‌هایی که احمدی گیوی و انوری برای اقسام صفت مرکب می‌آورند، به صورت آمیخته است و در واقع، برخی موارد صفت مشتق را به صفت مرکب هم اطلاق می‌کنند. برای مثال، «نشانه‌های صفات فاعلی: (نده، ان، الف، گار، گر، کار) گوینده، لرزان، دانا، خواستار، آفریدگار، ستمگر، ستمکار» (احمدی گیوی و انوری (۱)، ص ۲۷). همچنین صفت‌های با «یای لیاقت: خواندنی، شنیدنی» (همان، ص ۲۷) و یا صفتی که از «پیشوند و اسم: باهنر، بنام... بی‌پول، ناسازگار» (همان، ص ۲۸) ساخته شده باشد. این در حالی است که با استفاده از پسوندها و پیشوندها، صفت بیانی مشتق به دست می‌آید. از میان پسوندهای اشتقاقی صفت‌ساز «ی» از همه مهم‌تر است، زیرا فعال و قیاسی است و تقریباً به آخر هر اسمی می‌چسبد و آن را بدل به صفت نسبی یا فاعلی یا مفعولی می‌کند» (فرشیدورد، ص ۲۷۷)، مانند «جنگی»، «پیشنهادی»، «اعطایی» و «تصویبی». اما احمدی گیوی و انوری در ادامه مثال‌هایشان از اقسام صفت مرکب به نشانه‌های صفت نسبی نیز اشاره می‌کنند و «ی، ین، ینه، گان، گانه، کی، انه، آئی، چی: تهرانی، دیرینه... مردانه، جسمانی، پهلویچی» (احمدی گیوی و انوری (۱)، ص ۲۷) را برمی‌شمارند. درباره کلمات «بی‌پول» و «ناسازگار» اگر بخواهیم نوع کلمه را دقیق‌تر مشخص کنیم، صفت مشتق پیشوندی غیرفعالی هستند و «پهلویچی» و «مردانه» و... صفت مشتق پسوندی هستند. به نظر می‌رسد نویسندگان این کتاب درسی به‌نوعی صفت مرکب و صفت مشتق را درهم آمیخته‌اند و گویی منظور آنها از صفت مرکب، صفتی است که ساده یا بسیط نباشد. نویسندگان در دیگر کتاب خود (چاپ ۱۳۵۲ش) فعل‌های فارسی را از نظر ساختمان، در سه دسته فعل ساده، پیشوندی و مرکب تقسیم می‌کنند. «فعل‌های ساده، که مصدر آنها بیش از یک کلمه نیست، مانند خواندن...» (همان (۲)، ص ۲۶). اما فرشیدورد فعل بسیط را فعلی می‌داند «که از یک جزء تشکیل شده باشد، مانند «رفتن»...» (فرشیدورد، ص ۴۱۳). در واقع، نویسندگان این کتاب درسی، فعل بسیط را یک کلمه می‌دانند، در حالی که فرشیدورد فعل ساده را فعلی می‌داند که تنها یک جزء داشته باشد. شاید راه آسان برای آموزش دانش‌آموزان این باشد که هرگاه فعل یک کلمه‌ای است، آن را فعل ساده بدانیم. اما در نگاهی دقیق‌تر «فعلی که تنها یک جزء» دارد فعل ساده است، چراکه ممکن است

دانش آموز به اشتباه فعلی پیشوندی را مثل «واداشتن» یک کلمه بداند و آن را فعل ساده بپندارد. همچنین، نویسندگان به تأثیر از زبان عربی مصدر فعل‌هایی مانند «بایستن» و «شایستن» را، که تنها در برخی صیغه‌ها صرف می‌شود، فعل ناقص می‌دانند، درحالی‌که فرشیدورد برای این دسته از افعال اصطلاح «فعل ناقص التصریف» را برگزیده و فعل ناقص را فعل نیازمند مسند یا مکمل می‌داند.

کتاب دستور صادقی و ارژنگ (۱۳۵۷ش) از نمونه‌های بسیار خوب دوره سوم به شمار می‌آید که در آن تمرین‌ها و مثال‌های متنوعی ارائه داده‌اند. تلاش نویسندگان، برای بیان نسبتاً جامع، در بخش فعل و زمان‌های آن، گروه فعلی و گروه اسمی از نکات برجسته این کتاب است. در مقایسه با دیگر کتاب‌های بررسی‌شده، این کتاب را می‌توان در کنار دستور زبان خانلری نمونه‌ای قابل توجه در مسیر آموزش دستور با روشی نو، ساده و دور از عربی‌نویسی برشمرد.

۳. نتیجه

آموزش زبان معیار از سال‌های نخستین تحصیل در مدارس آغاز می‌شود. به دلیل اهمیت بالای دستور زبان، روش‌ها و کتاب‌های بسیاری به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا با قواعد درست‌نویسی زبان خود آشنا شوند.

در ایران پس از انتشار دستور سخن میرزا حبیب اصفهانی (۱۲۸۹ق)، دستورنویسی مستقل فارسی آغاز شد. البته، پیش از آن نکات دستور زبان فارسی را به‌طور پراکنده در برخی کتاب‌ها و مقدمه برخی فرهنگ‌ها می‌یابیم. پس از میرزا حبیب اصفهانی، نویسندگان دیگری از جمله حبیب‌الله آموزگار، عبدالعظیم قریب، محمدحسن هروی، محمد دیهیم، پنج استاد، پرویز ناتل خانلری، احمدی گیوی و انوری و صادقی و ارژنگ کتاب‌هایی با موضوع دستور زبان فارسی نوشتند.

در این پژوهش، تعدادی از کتاب‌های آموزشی دستور زبان فارسی مدارس (از سال ۱۲۹۸ش تا ۱۳۵۷ش) بررسی و دیدگاه‌های دستوری هر نویسنده، تأثیرپذیری آنها از قواعد عربی یا دستورهای فرنگی، پیروی نویسندگان از دستور زبان‌های سنتی یا نوین و رویکرد آموزشی هر کتاب (مانند رسم‌النخط، نوع تمرین‌ها و مثال‌ها، استفاده از نمودار یا جدول و...) نقد و تحلیل شده است.

سیر دستورنویسی مستقل، که عمدتاً هدف آموزشی دارد، الگوگرفته از قواعد عربی یا دستور فرانسوی است. دستورنویسان ایرانی برای نگارش دستورهای فارسی الگوهای ساختمانی دستور زبان عربی و فرانسوی را تلفیق کرده‌اند. اغلب کتاب‌های دستوری مورد بررسی، به‌ویژه از سال ۱۲۹۸ش تا اوایل دهه ۱۳۴۰ش، به تأثیر از قواعد عربی، اقسام کلمه را به سه بخش اسم، فعل و حرف تقسیم کرده و نکات هر مبحث را شرح و تفصیل داده‌اند. در ضمن، در بخش پایانی برخی کتاب‌ها دانش‌آموز باید کلمات هر جمله را به شیوه قواعد عربی «تجزیه و ترکیب» کند.

مباحث کتاب‌های این دوره به پیروی از دستورنویسی سنتی و با رویکردی تجویزی از اجزای جمله، تعریف انواع کلمات و ساختمان هر واژه آغاز می‌شود و در نهایت، به نحو جمله می‌رسد که بیانگر تأکید بیشتر نویسندگان بر صرف زبان فارسی است. در ضمن، برخی کتاب‌های مورد بررسی این پژوهش، ضمن بیان مباحث دستوری، به مباحثی مانند رسم الخط، شیوه نگارش حروف و قواعد املائی هم اشاره می‌کنند. نویسندگان این دوره نیز همانند دیگر دستورنویسان سنتی، صورت نوشتاری زبان فارسی را اصل و مبنا قرار می‌دهند و به صورت گفتاری زبان توجه نمی‌کنند. همچنین، نویسندگان از متون کهن فارسی به‌عنوان منبعی برای درک و فهم قواعد زبان فارسی استفاده کرده و به زبان زنده و رایج کمتر توجه می‌کنند و متون نظم و نثر کهن فارسی منبعی برای ذکر مثال‌ها و تمرین‌های کتاب‌های دستور است. النقطا صورت و معنا همچنان در بیشتر کتاب‌های دستور به چشم می‌خورد. اختلاف نظر میان کتاب‌ها و نویسندگان مختلف نیز در مباحثی مانند انواع کلمه، وضع اصطلاحات دستوری و نقش کلمه مشهود است. همچنین، در کتاب‌های این تحقیق، پرداختن به «صرف» زبان فارسی و اجزای جمله از اولویت و اهمیت بیشتری برخوردار است و جزئیات «نحو» زبان فارسی همواره پس از مباحث «صرف» مطرح می‌شود.

برخی نویسندگان، بدون نوآوری در مطالب، صرفاً به تقلید و تکرار مباحث کتاب‌های قبلی بسنده کرده‌اند، اما برخی هم‌زمان با بهره‌گیری از نظرات نویسندگان پیشین در حوزه آموزش دستور نوآوری هم دارند. کتاب‌های تأثیرگذار دوره مورد بررسی این پژوهش، دستور زبان عبدالعظیم قریب، دستور زبان پنج استاد و دستور زبان خانلری است. دستور عبدالعظیم قریب بارها چاپ شده و مطالب کتاب‌های پس از او هم تا حد زیادی با این کتاب هم‌پوشانی دارند. کتاب دستور پنج استاد برای نخستین بار، دستوری جامع با دیدی کلی به دانش‌آموزان دبیرستانی ارائه می‌کند. در این ادوار همچنان بسیاری از اصطلاحات قواعد عربی بر دستور زبان فارسی حاکم است و نویسندگان کتاب‌ها راه دستورنویسان سنتی را ادامه می‌دهند. انتشار دستور زبان خانلری و همکارانشان (زهره خانلری و فتح‌الله مجتبیایی) حرکت و تلاشی تازه را برای ایجاد روشی نوین در آموزش دستور زبان فارسی نوید داد. نویسندگان این کتاب سعی کردند با الگوگیری از دستور زبان‌های فرنگی، روشی نو در دستور زبان ابداع کنند و البته، تا حدودی از مبانی زبان‌شناسی جدید تأثیر می‌پذیرند. علاوه بر این، آنها در آغاز هر مبحث، نکات دستوری را در بافتی مشخص و در قالب جملاتی کوتاه ارائه می‌دهند تا ذهن دانش‌آموزان با کارکرد و نحوه استفاده از نکته دستوری آشنا گردد. همچنین، برآن‌اند تا با زبانی ساده و با وضع اصطلاحات دستوری به فارسی روان، دستور زبان را آسان‌تر از قبل آموزش دهند.

در سال‌های بعد، دیگر نویسندگان، از جمله انوری و احمدی گیوی و صادقی و ارژنگ با رعایت اصل ساده‌نویسی و «قاعدسازی» برای قواعد زبان فارسی، برای تفهیم بهتر مطالب دستوری تلاش

بیشتری می‌کنند. در کتاب‌های مورد بررسی چاپ دهه ۴۰ شمسی و پس از آن، دستورنویسان به تدریج از تأثیرپذیری مستقیم از زبان عربی فاصله می‌گیرند و تأثیر زبان‌شناسی نوین بر کتاب‌هایی مانند دستور زبان فارسی «روش نو» خانلری (۱۳۴۳ش) و دستور ارژنگ و صادقی (۱۳۵۷ش) قابل بررسی است. علاوه بر آن، این گروه از دستورنویسان به نمونه‌هایی از زبان رایج در میان مردم توجه می‌کنند.

منابع

- آموزگار، حبیب‌الله (۱)، دستور آموزگار، مطبعه تمدن، تهران ۱۲۹۸.
- _____ (۲)، دستور آموزگار، مطبعه تمدن، تهران ۱۲۹۹.
- احمدی گیوی، حسن و حسن انوری (۱)، دستور زبان فارسی، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، تهران ۱۳۵۱.
- _____ (۲)، دستور زبان فارسی، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، تهران ۱۳۵۲.
- ادیب طوسی، میرزا محمد امین خان، دستور نوین، مطبعه پروین، تهران ۱۳۱۲.
- اسفندیاری، محمدصدیق، محمد پروین گنابادی، عباس دیوشلی، ضیاءالدین سجادی و زین‌العابدین مؤتمن، فارسی و دستور، علمی، تهران ۱۳۳۵.
- خیام‌پور، عبدالرسول، دستور زبان فارسی، چاپ دوم، آیدین، تبریز ۱۴۰۰.
- دبیم، محمد، دستور زبان فارسی، چاپ ششم، شرکت نسبی علی‌اکبر علمی و شرکا، تهران ۱۳۳۰.
- رضازاده شفق، صادق، عبدالرحمن فرامرزی، ذبیح‌الله صفا، علی‌اکبر شهابی، احمد کوشا و اسمعیل والی‌زاده، فارسی و دستور زبان، کیهان، تهران ۱۳۳۵.
- روحانی، محمدعلی، مهدی محقق، محمد نصرالله و سعید نفیسی، فارسی و دستور زبان، علمی، تهران ۱۳۴۱.
- سلطان‌محمدی، جبار و احمد مفیدی (بی‌تا)، دستور زبان فارسی فرهنگ، بنگاه مطبوعاتی فرهنگ، ساری.
- صادقی، علی‌اشرف و غلامرضا ارژنگ، دستور، چاپخانه گیل، تهران ۱۳۵۷.
- فارسی و دستور زبان پسران، چاپخانه خاور، تهران ۱۳۳۷.
- فرشیدورد، خسرو، دستور مفصل امروز، سخن، تهران ۱۳۸۲.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان، گلشن ابراهیمی، عبدالحسین زرین‌کوب، منوچهر آدمیت و حسین بحرالعلومی (۱)، فرائد فارسی و دستور زبان، مرکز پخش و انتشارات شرکت نسبی حاج محمدحسین اقبال و شرکا، تهران ۱۳۳۵ش.
- _____، عبدالعظیم قریب، جلال‌الدین همایی، ملک‌الشعراء بهار، غلامرضا رشید یاسمی (۲) (بی‌تا)، دستور زبان فارسی، کتابخانه مرکزی، تهران.
- _____ (۳)، دستور زبان فارسی، کتابخانه مرکزی، تهران ۱۳۳۸.
- قریب، عبدالعظیم، دستور زبان فارسی، چاپ هجدهم، علمی، تهران ۱۳۱۶.
- ناتل خانلری، پرویز و زهرا خانلری (بی‌تا)، دستور زبان فارسی، شرکت سهامی طبع و نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران.
- _____، مصطفی مقربی، فتح‌الله مجتبابی، زهرا خانلری (۱)، دستور زبان فارسی «روش نو»، شرکت سهامی طبع و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ افست علی‌اکبر علمی، تهران ۱۳۴۳.

_____ (۲). دستور زبان فارسی «روش نو»، شرکت سهامی طبع و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ افست
علی‌اکبر علمی، تهران ۱۳۴۶.
نفیسی، علی‌اکبر، نامه زبان‌آموز، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران ۱۳۹۸.
هروی، محمدحسین، دستور حسن، مطبعه خراسان، مشهد ۱۳۴۲.

